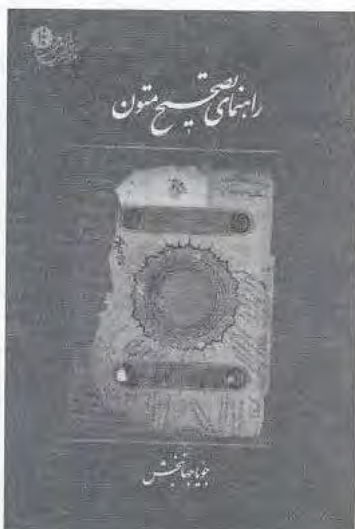


پاره‌ها و نکت‌های میراث مکتوبی

تصحیح التقاطی؛ و یک سوء تفاهم غیر جزئی

جویا جهانبخش

درست و بجا و تأمل انگیز بود. چنان که جای دیگر نیز گفته‌ام، تصحیح التقاطی یکی از چهار شیوه عمده و به رسمیت شناخته شده تصحیح متن‌های اسلامی است و «درین شیوه، مصحح، اجتهاد عالمانه خویش و نه چنان که برخی پنداشته‌اند: أهواء و پسندهای شخصی را مبنای انتخاب ضبطی از میان نسخ مختلف قرار می‌دهد... از همین حیث، تصحیح التقاطی، در مقایسه با



تصحیح بر مبنای نسخه اساس، دانش و دقت و احتیاطی دو چندان طلب می‌کند. برخی مصححان، تصحیح التقاطی را با تصحیح ذوقی اشتباه گرفته‌اند؛ در حالی که در تصحیح التقاطی،

مرکز پژوهشی میراث مکتوب در آغاز واپسین هفته اردیبهشت ماه ۱۳۸۵ ه. ش. میزبان مستمعانی بود که برای استماع سخنرانی متن پژوه باریک بین ایرانی، دکتر محمود امیدسالار، به تالار گردهمایی‌ها و نشستهای متن پژوهی این مرکز آمده بودند. سخنرانی دکتر امید سالار که نکات برجسته و جهتگیری ارزنده‌ای داشت، درباره فن تصحیح متون در مغرب زمین و پیشگامی مسلمانان در این فن بود.

سخنران در ضمن سخنانش به مناسبتی از تصحیح التقاطی یاد کرد و از بی‌مهری که در گفتار دانشمندان ایران امروز بر این شیوه تصحیح می‌رود؛



حال آن که تصحیح التقاطی یکی از شیوه‌های عالمانه و بسامان تصحیح متون قدیم است.

موضوع «تصحیح التقاطی» از موضوعات کلیدی این سخنرانی نبود و به سرعت از آن گذر شد؛ لیک اشاره،

ذوقی و دریافتی دخالت می‌کند که بر اثر ممارست در متن پژوهی و آموزشهای گوناگون تربیت شده است؛ ولی آن ذوق، معیار تصحیح ذوقی است، که ... بیشتر از آهواء تبعیت می‌کند تا آراء مستدلّ اجتهادی؛ ...» (راهنمای تصحیح متون، ص ۳۰).

باری، چه چیز سبب شده عنوان تصحیح التقاطی در فضای علمی ایران «بار معنائی منفی» پیدا کند و به تصحیح «من عندی» و «دلبخواهی» و غیر عالمانه تأویل و تحویل شود؟

احتمالاً دو عامل اصلی را بتوان در این باره خاطر نشان کرد: یکی، سوء استفاده برخی سهل انگاران و مصحح نمایان از عنوان تصحیح التقاطی، و دیگر، خلط اصطلاحات و مفاهیم تصحیح در نظر کثیری از اهل علم.

این حقیقتی است که برخی تنک مایگان که حوصله باز جُستن نسخه‌های صحیح و اصیل و دقت در عیارسنجی ضبطهای گوناگون و ثبت و ضبط سازواره انتقادی نسخ را نداشته‌اند و ندارند، تحت پوشش عنوان «تصحیح التقاطی» و در واقع، با پاره‌دوزی و وصله زنی و آسان گیری، برخی متون را بنا بر دست فرسود خویش می‌سازند. کثرت این سوء استفاده‌ها، کم کمک به وجهه خود «تصحیح التقاطی» لطمه زده است.

عیب - البته - از اصل «تصحیح التقاطی» نیست. نَفْتَه المصدور شادروان دکتر امیر سید حسن یزدگردی نیز به شیوه التقاطی تصحیح شده، اما بی‌گفت و گواز ممتازترین نمونه‌های تصحیح متون قدیم فارسی است و به صدها تصحیح به اصطلاح «بر اساس نسخه اساس» باج نمی‌دهد! نیز انصاف باید داد که قلیل اند کسانی که اصطلاحات فنّ تصحیح متون را بدرستی بشناسند... قلیل اند حتی در میان مصححان!... شاید اگر اخلاقیات باز دارنده نبود، می‌توانستم نمونه‌هایی را به اسم و رسم یاد کنم که خود مصحح نام شیوه تصحیحش را به غلط یاد کرده و این از توضیحاتی که پسان‌تر درباره کار و پژوهش خویش به دست می‌دهد هویدا می‌شود.

شاید این که غالب تصحیح‌های معروف آغاز عصر جدید، به ویژه در حیطه متون ادبی، به شیوه تصحیح بر بنیاد نسخه اساس صورت گرفته بوده، نیز، ناخود آگاه تصحیح علمی و علمیت تصحیح را بیش و کم با به کارگیری این شیوه و اجتناب از دیگر شیوه‌ها مرادف ساخته باشد.

به هر روی تصحیح التقاطی همواره پایگاه مهم خود را در متن شناسی اسلامی خواهد داشت؛ و از آن روی که «مصحح در انتخاب هر یک از شیوه‌های چهارگانه در تصحیح، مختار نیست؛ بلکه چگونگی نسخه‌ها و مقتضیات متن او را به پیروی یکی از این شیوه‌ها ملزم می‌کند» (راهنمای تصحیح متون، ص ۳۲، در پاره‌ای موارد، از تصحیح التقاطی گریز و گزیر نخواهد بود. باید این شیوه تصحیح را جدی گرفت و برای عویصات و عقبات دشوار و اجتهاد خواه آن مهیا شد. و من الله التوفیق.

طهران - ۱۳۸۵ هـ . ش

